

عنوان نشست: نسبت نظریه پرکتیکال ژوزف شواب با نظام برنامه‌ریزی درسی ایران

شناسنامه نشست	
واحد برگزارکننده نشست:	دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی
مسئول نشست:	دکتر مصطفی قادری (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۳۹۷
اعضای هیئت علمی:	دکتر حسن ملکی، دکتر علیرضا صادقی، دکتر محبوبه خسروی، دکتر محمدرضا یادگارزاده (اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)، دکتر محمود مهرمحمودی (استاد بازنشسته دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر محمدرضا جوادی پور (عضو هیئت دانشگاه تهران)، دکتر مجید علی عسگری (عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی)، دکتر محمد آرمند (عضو هیئت علمی سازمان سمت)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر محمود امانی طهرانی (مدیرکل دفتر تهیه و تدوین کتب درسی وزارت آموزش و پرورش)
مسئله محوری نشست:	ارائه راه کارهایی برای بهبود عمل برنامه درسی در نظام برنامه‌ریزی درسی ایران
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

چکیده مباحث طرح شده:

در این نشست مضامین و کاربردهای نظریه پرکتیکال شواب برای بهبود و اصلاح نظام برنامه‌ریزی درسی ایران مورد بررسی قرار گرفت. موقعیت‌ها و مسائل عملی برنامه درسی موقعیت‌های مبهم و نامشخصی هستند. حل و فصل این موقعیت‌ها در کلاس‌های درس و مدارس نیاز به دانش عملی دارد. به قول شوان «دانشی عملی در جاهایی پیدا می‌شود که پست و باتلاقی است، آنجا که موقعیت‌ها آشفتگی به هم ریخته‌ای دارند و راه‌حل‌های فنی (تکراری) ناکارآمدند». مصداق جاهایی که شوان از آن‌ها یاد می‌کند کف کلاس درس و جاهایی است

که معلم با دانش خود در حال اجرای برنامه درسی است. دشواری‌های برنامه درسی نیز در لابه‌لای کلاس‌های درس قرار دارند. هرچند دانش ضروری معلمی به دانشجو-معلمان آموخته می‌شود و از طرفی دانش عملی توسط خود معلمان تولید می‌شود ولی این دانش‌ها فقط مختص معلم نیست و دانش معلمان در کلاس‌های درس باید مورد گفت‌وگوی متخصصان قرار گیرد. چون به دلیل دشواری‌های دنیای تدریس، معلمان به‌تنهایی قادر به حل مشکلات کلاس‌های درس خود نیستند. دانش عملی برنامه درسی چند راه حل فنی و تکراری نیست، بدین‌سان که نیازمند کارآگاهانه و گروهی از متخصصان است؛ یعنی دانش عملی برنامه درسی بیش از نظریه برنامه درسی نیازمند تغییر و اصلاح دائمی است. شاید کسی که بیشترین حساسیت را نسبت به دشواری جهان عملی برنامه درسی نشان داده است ژوزف شواب باشد. از نظر او جهان عملی غیر قابل کپی‌برداری است:

«انسان موجودی خود را هر در زندگی و قادر به آفرینش و اصلاح خود است.

دارای تاریخچه شخصی است که غیر قابل کپی‌برداری است».

بدون مطالعه آثار شواب هرگز پیچیدگی‌های دنیای عمل برنامه درسی به‌ویژه ظرافت‌هایی که لازم است نظریه و عمل را به هم نزدیک سازد، قابل درک نخواهند بود. طی مطالعه چهار پرکتیکال شواب دریافتم که شواب دشمن نظریه نیست و مجریان را نیز به عمل صرف تشویق نمی‌کند. شواب به طرز وسوسه‌آمیزی می‌خواهد وجود تفاوت و خاص بودن موقعیت‌های عملی را به متخصصان رشته برنامه درسی یادآوری کند؛ بنابراین در هر چهار پرکتیکال یک تا چهار، از موردها و تفاوت‌ها بیش از هر چیز دیگری سخن می‌گوید. به نظر می‌رسد که او پیامبری در رشته برنامه درسی باشد که می‌خواهد ما را از تعارض درهم فرو رفته بین پیچیدگی و سادگی، بین تفاوت و شباهت و بین دنیای نظریه و عمل رها سازد، ولی وقتی آثار او به‌ویژه پرکتیکال دو را می‌خوانید گمان می‌رود که خود او نیز در این تعارض در هم فرو رفته و سایه وار غرق شده است و فریاد می‌زند که وضعیت رشته برنامه درسی، وضعیت ابری و مبهمی است. درست مانند فیلسوف آلمانی امانوئل کانت که وقتی در کتاب‌های نقد خرد ناب و نقد عملی از برخی جنبه‌های ابهام‌آمیز نظریه و عمل به‌عنوان جزیره‌های پوشیده از ابر سخن

می‌گوید. به عبارتی از نظر شوا ب کار در کف کلاس‌های درس شبیه حرکت در جزیره‌های ابرناک است. او بیش از حد خود را درگیر چیزهای خرد و جزئی ساخته تا آنجا که مانند مهندس خرده کاری است که روی ذرات بالقوه برنامه درسی ممکن دقیق شده باشد. او مهندس فیزیک یا متخصص ژنتیکی است که روی ژنوم برنامه‌های درسی که اطلاعات علمی در رشته‌های علمی هستند، دقیق شده است. چه بسا اگر مجال بیشتری داشت رشته برنامه درسی را بهک رشته علمی معتبر و مستقل با موضوع تبدیل اطلاعات علمی به برنامه‌های درسی مشروع بدل می‌کرد.

اغلب شرکت کنندگان در این نشست معتقد بودند مشکلات اساسی هم در حوزه نظریه برنامه درسی دانشگاه‌ها یعنی در سرفصل‌های درسی دوره ارشد و دکترای برنامه درسی و شایستگی فارغ‌التحصیلان رشته مطالعات برنامه درسی و هم در حوزه عمل برنامه درسی وجود دارد. براین اساس ده توصیه و پیشنهاد زیر ارائه شد:

توصیه‌های سیاستی:

۱. هدایت پژوهش‌های رشته مطالعات برنامه درسی به سمت فرونسیس یا کاراندیشی و تأمل عملی رویکرد کاراندیشی شوا ب نه استقرایی و نه قیاسی است. در حالی که اکنون طراحی و اعتباریابی الگوهای برنامه درسی روش استقرایی و امید به استفاده از این الگوها در عمل قیاسی است.
۲. بهبود سرفصل‌های رشته کارشناسی ارشد و دکترای برنامه درسی به منظور تقویت تسلط نظری و شایستگی‌های عملی فارغ‌التحصیلان رشته مطالعات برنامه درسی
۳. آموزش هنرهای عملی، هنرهای شبه عملی و هنرهای گزینه سنجی به دانشجویان برنامه درسی و دانشجو معلمان به منظور کاربرد خادمانه نظریه‌ها در عمل، ترکیب نظریه‌ها، بررسی و آزمودن نظریه‌ها برای حل مسائل عملی
۴. حساسیت نسبت به پیچیدگی‌های برنامه درسی مانند شرایط بومی و فرهنگی در نظام برنامه‌ریزی درسی آموزش عمومی و آموزش عالی

۵. استفاده از تخصص ۴۰۰۰ نفر فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد و دکترای رشته مطالعات برنامه درسی در نظام برنامه‌ریزی درسی رسمی و غیررسمی برای انتخاب دانش‌ارزشمند برای یادگیری در مدارس و دانشگاه‌ها
۶. سوق دادن تغییرات برنامه درسی به سمت تغییرات محلی، بومی، تخصصی، تدریجی، اثربخش و مبتنی بر تجربه معلمان و اساتید دانشگاه‌ها
۷. ایجاد تنوع در برنامه‌های درسی و فراهم کردن امکان مقایسه آن‌ها ارائه اختیارات برنامه‌ریزی درسی از طریق ایجاد و تأسیس واحدهای اجرا و بهبود برنامه درسی در مناطق، مدارس و دانشگاه‌ها
۸. تأسیس سازمان نظام برنامه‌ریزی درسی ایران برای نظارت بر تخصص برنامه‌ریزی درسی در بخش‌های آموزش دولتی و خصوصی
۹. در نظر گرفتن پست مشاور برنامه درسی در مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی رسمی و غیررسمی